

پژوهشی در

تاریخ سیاسی، اداری و مالی عصر عباسی اول

عبدالعزیز الدوری

مقدمه، ترجمه و تعلیق:

رمضان رضایی

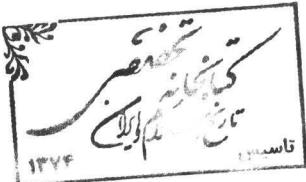


پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشی در تاریخ سیاسی، اداری و مالی

عصر عباسی اول

عبدالعزیز الدوری



مقدمه، ترجمه و تعلیق

رمضان رضایی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۴



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، صندوق پستی ۱۴۱۵۵-۶۴۱۹، تلفن: ۸۰۴۶۸۹۱-۳، فکس: ۸۰۲۶۳۱۷

پژوهشی در تاریخ سیاسی، اداری و مالی

عصر عباسی اول

مؤلف: عبدالعزیز الدوری

مقدمه، ترجمه و تعلیق: رمضان رضایی

مدیر انتشارات: ناصر زعفرانچی

صفحه‌آرا: فرزانه صادقیان

مسئول فنی: عرفان بهاردوست

طراح و اجرای جلد: فرزانه صادقیان

ناظر چاپ: مجید اسماعیلی زارع

چاپ اول: ۱۳۹۴

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: تقریب

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: دوری، عبدالعزیز، ۱۹۱۹ - م.

Duri, Abdul Aziz

عنوان قراردادی: العصر العباسی الاول دراسة في التاريخ السياسي والاداري والمالی. فارسی

عنوان و نام پیداوار: پژوهشی در تاریخ سیاسی، اداری و مالی عصر عباسی اول / عبدالعزیز الدوری؛ مقدمه، ترجمه و تعلیق رمضان رضایی.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: س، ۳۴۷ ص.

شایک: ۶-۸۵۲-۹۶۴-۴۲۶

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ص. [۳۴۱]-[۳۴۷]؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: عباسیان

شناسه افروده: رضایی، رمضان، ۱۳۵۰ -، مترجم

شناسه افروده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رده بندی کنگره: ۱۳۹۴/۱۴۰۴/۶/۵۹ DS۲۸/۶/۵۹

رده بندی دیجیتی: ۹۵۲/۰۲

شماره کاپشناسی ملی: ۴۰۴۱۵۱۵

فهرست مطالب

مقدمهٔ مترجم ز	
مقدمهٔ مؤلف ف	
فصل اول: دعوت عباسی ۱	
فصل دوم: انتقال قدرت از بنی‌امیه به بنی‌عباس ۵۵	
فصل سوم: ابوالعباس ۷۱	
فصل چهارم: ابوجعفر منصور ۹۹	
فصل پنجم: مهدی و هادی ۱۴۷	
فصل ششم: هارون‌الرشید ۱۷۹	
فصل هفتم: اختلاف بین امین و مأمون ۲۲۹	
فصل هشتم: مأمون ۲۵۳	
فصل نهم: معتصم ۲۷۷	
فصل دهم: نظام مالیاتی ۳۱۵	
منابع و مراجع ۳۳۹	

مقدمهٔ مترجم

نسب عباسیان به عباس بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمناف، عمومی پیغمبر، می‌رسد. آن‌ها از بنی‌هاشم بودند و خود را شایستهٔ جانشینی پیامبر می‌دانستند؛ بنابراین، ایران یکی از مهم‌ترین مراکز اتکای بنی‌هاشم بود، زیرا ایرانیان به سبب تجاوز و تعدی بنی‌امیه و عمل آنان و سیاست‌های غلط آن‌ها مبتلى بر سوری عرب و تحقیر ملل تابعه، به‌ویژه ایرانیان، مناسبات خوبی با آن‌ها نداشتند. به همین سبب، عباسیان به‌زودی دریافتند که از نارضایتی مردم ایران چگونه استفاده کنند. از طرفی هرج و مرج ممالک اسلامی این فرصت را به عباسیان داد که در نواحی ایران، مخصوصاً خراسان دعوت خود را آغاز کنند.

علاوه بر ایرانیان، تکيه‌گاه عباسیان گروه‌های مختلف شیعه بودند که در آن زمان مشتمل بر عباسیان، علویان، زیدیه و پیروان محمد بن حنیفه بود که بعد از درگذشت او پسرش، ابوهاشم، جانشین او شد. بعد از مرگ ابوهاشم، پیروانش با محمد بن علی بن عبدالله بن عباس بیعت کردند و به «شیعهٔ آل عباس» مشهور شدند که شعار آنان برق و لباس سیاه بود.

محمد بن علی دهکدهٔ کوچکی به نام «حمیمه» را مرکز فعالیت خویش قرار داد و از همین محل دعاتی را به خراسان و ماوراءالنهر فرستاد. بعد از درگذشت او نیز پسرش ابراهیم جانشین او شد.

در ابتدا، دعوت سری بود و امور دعوت به‌وسیلهٔ مجمعی صورت می‌گرفت که ۱۲ نقیب و شورایی مرکب از ۷۲ نفر داشت. زمانی که ابراهیم امام به خراسان رفت بزرگان زیادی در آن جا به او گرویدند؛ از جمله بازرگان معروف، بکیر بن ماهان، که در ۱۰۵ ق در کوفه با عباسیان بیعت کرد. در ۱۲۶ ق، که بکیر بن ماهان به زندان افتاد، با ابومسلم آشنا شد و بکیر بعد از آزادی از زندان ابومسلم را به ابراهیم معرفی کرد.

ابراهیم ابومسلم را برای انتشار دعوت به خراسان فرستاد. در این زمان نصر بن سیار در

ح پژوهشی در تاریخ سیاسی، اداری و مالی عصر عباسی اول

خراسان حکومت می کرد و در آن جا بین دو طایفه بزرگ اعراب مضربی و یمانی اختلاف افتاده بود. پیروان بنی عباس فرستاد را مغتنم شمردند و مردم را با شعار «الرضا من آل رسول» یا «الرضا من آل محمد» دعوت می کردند. ابومسلم توانست مرو را تصرف کند و در ۱۲۹ ق در روستای سفیدنج مرو دعوت خود را آشکار کرد. به گفته طبری، اهالی دهکده های مرو دعوت را پذیرفتند و به تدریج پیش ابومسلم آمدند. مقارن این ایام، ابراهیم به فرمان مروان بن محمد، آخرین خلیفه اموی، در شام کشته شد. بعد از قتل او طرفداران او برادرش، عبدالله سفاح، را به چاشینی برگزیدند. به این ترتیب، اولین حاکم عباسی رسماً کار خویش را آغاز کرد.

هنگام تشکیل خلافت عباسی، قسمت هایی از جهان اسلام شامل گرگان و تخارستان با سرزمین ترک و چین همسایه بود. در آن زمان مرزهای جهان اسلام از یک طرف در جنوب شرقی به کشمیر و از طرف دیگر در جنوب مصر به سرزمین نوبه تا نواحی مغرب در جنوب صحرا و نیز در شمال به کوههای قفقاز و ارمنستان می رسید و با مرزهای روم نیز همسایه بود. در اندلس نیز با جنوب سرزمین فرنگ همسایه بود.

عباسیان در نخستین دوره حکومت خود برای کسب قدرت با مخالفت های داخلی فراوانی مواجه بودند که به درگیری های خونین منجر شد. خروج عبدالله بن علی بر برادرزاده اش، منصور، از جمله مخالفت های درون خاندانی آن هاست و شاید نزاع میان امین و مأمون از خطرناک ترین درگیری های دوره عباسی اول باشد. از طرف دیگر، علویان نیز برای بنی عباس مشکلات فراوانی را به وجود آورده اند و به راحتی اجازه غصب خلافت را به آن ها نمی دادند. قیام های ایرانیان به ویژه بعد از کشته شدن ابومسلم نظیر بابکیه و خرمیه نیز عرصه را برای عباسیان تنگ تر کرده بود. در خارج از جهان اسلام درگیری با رومیان یکی از دغدغه های بزرگ عباسیان بود. به گونه ای که جنگ های تابستانی کم کم به یک سنت در بین خلفاً تبدیل شد.

موقوفیت های عباسیان در جبهه شرقی بیشتر بود. آن ها گسترش اسلام را در ماوراء النهر و منطقه سیند تثبیت کردند. در مغرب نیز حکومت آن ها تثبیت شد. اما در اندلس، مدتی بعد از روی کار آمدن عباسیان، اوضاع دگرگون شد و عبدالرحمن داخل از نوادگان اموی حکومت آن جا را مستقل کرد. ادريسیان نیز مغرب دور را استقلال بخشیدند.

این درگیری های متعدد باعث شد نفوذ عباسیان در میان اعراب، ایرانیان و ترکان کمتر شود و به سبب ناتوانی خلفاً در ایجاد توازن بین نژادهای مختلف قدرت ایرانیان فزونی یابد. از

مقدمه مترجم ط

این رو ایرانیان به سبب توانایی‌های خود بر اوضاع مسلط شدند و از آغاز دوره منصور به بعد بیشتر وزیران و فرماندهان ایرانی عهدهدار امور بودند. تا این که معتقدم به این باور رسید که باید عنصر جدیدی را به صحنه آورد و به آن اعتماد کند؛ بنابراین، اطراقیان، کارگزاران، وزیران و فرماندهانش را از ترکان برگزید و بدین ترتیب، به سلطه ایرانیان خاتمه داد.

ایجاد حکومت عباسی بیعت صرف با یک خلیفه یا انتقال حکومت از امویان به عباسیان در حاکمیت اسلامی نبود، بلکه حرکتی فraigیر در تاریخ اسلام و نقطه عطف مهمی در سیر تحول تاریخ اسلام به شمار می‌آید که در جامعه اسلامی تغییراتی را به وجود آورد و باورهایی در همه جهات زندگی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بر جای گذاشت و زمینه را برای خودنمایی مسلمانان غیرعرب فراهم کرد.

۱. کتاب حاضر

عبدالعزیز دوری تحصیلاتش را در کشورهای غربی به پایان رساند. او از همان آغاز با اندیشه‌ای پویا در تفسیر تاریخ گام برداشت. بنابراین، نظریات موجود در تفسیر تاریخ در جوامع غربی را با تفسیر تاریخ اسلام تطبیق داد. سعی کرد از پیشرفت‌های علمی غرب، بدون این که در ورطه هلاک فرهنگ غرب گرفتار شود، استفاده کند و مباحث تاریخی و تفسیر تاریخ عربی - اسلامی را مستقل از دیدگاه مستشرقین و مورخان غربی ارائه دهد. بدین ترتیب، راه جدیدی را در پیش گرفت که کمتر کسی از مورخان معاصر عرب در پیش گرفته بود.

دوری در تاریخ‌نگاری خود با ذهنی پویا پیش رفت و متوجه این مسئله شد که انسان جزئی از جامعه است و فرهنگ، تمایلات و حتی مشکلات متناسب با جامعه خویش را دارد. بنابراین، این مسئله در اندیشه مورخ تأثیرگذار بود و چهبسا در ذهن فرضیاتی به وجود آورد مبنی بر این که بررسی تاریخ یک دوره از دوره‌های تاریخی ملتی بدون در نظر گرفتن مجموعه عوامل راه به جایی نخواهد برد. و نیز پرداختن صرف به زندگی افراد و حاکمان بدون توجه به سایر مسائل فایده‌بخش نخواهد بود. بنابراین، دوری در این کتاب با در نظر گرفتن مطالب مذکور، هنگام مراجعت از لندن به بغداد، ضمن تدریس به پژوهش در تاریخ عباسیان پرداخت و یافته‌های خود را در کلاس برای دانشجویان نیز ارائه داد. حاصل پژوهش‌های او در یک مقطع تاریخی یک‌ساله (۱۹۴۵) کتاب‌های عصر عباسی اول و پژوهشی در دوره‌های عباسی متأخر است.

۵ پژوهشی در تاریخ سیاسی، اداری و مالی عصر عباسی اول

دوری در عصر عباسی اول ظاهراً مانند بقیه مورخان و به تقليد از آن‌ها به شکل تسلسل زمانی و به ترتیب زندگی خلفاً را بررسی کرده است. این همان شیوه‌ای است که بقیه مورخان قدیم و جدید در آثار خود درباره تاریخ اسلام رعایت کردند. اما دوری همان‌طور که در جای جای کتابش نیز اشاره کرده است، این شیوه تاریخ‌نگاری را نمی‌پسندد؛ بنابراین، برای رهایی از آن به تحلیل و تعلیل مطالب پرداخت و نظرات جدیدی را در مسائل جزئی تاریخی مطرح کرد. مثلاً در فصل اول کتاب با طرح اوضاع اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی موالی نتایج جدیدی را ارائه کرده است. یا درباره اصول و مبادی دعوت عباسی و تشکیلات آن، مهدی و زندقه، حقیقت روابط بین رشید و شارلمان و نیز درباره براندازی برمکیان به گونه‌ای عمل کرده که شیوه تقليد را به ابداع و ابتکار بدل کرده است. علاوه بر این، خود دوری به این مسئله پی‌برد که شیوه رایج در بررسی تاریخی تصویر کامل و واضحی از دوره مورد نظر ارائه نخواهد داد. بنابراین، تلاش کرد تا این نقیصه را به گونه‌ای جبران کند؛ لذا در پایان بررسی دوره هر خلیفه‌ای به اوضاع فرهنگی، اداری و مالی وی نیز نظری افکنده و در پایان نیز فصل مستقلی را به بحث درباره مالیات در عصر عباسی اول اختصاص داد تا خط سیر مسائل مالی کاملاً مشخص شود. او در موارد زیادی نیز به دغدغه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بسیاری از خلفاً از قبیل موالی و قیام‌ها و جریان‌های ایرانی پرداخته است.

نویسنده در بررسی تاریخ عصر مورد نظر به بیان ارتباط دوره‌های قبل و بعد آن دوره نیز اشاره کرده است تا بدین ترتیب، استمرار مسیر تاریخ را بیشتر بنمایاند. بنابراین، بحثی را به معنای انتقال قدرت از امویان به عباسیان اختصاص داد و بیان کرد که معنای روی کار آمدن عباسیان این نیست که هر آن‌چه در دوره بنی‌امیه بود سپری شده و دوران آن سر آمده است، بلکه عباسیان از برخی از تشکیلات و برنامه‌های امویان از جمله مالیات‌ها، اداره محلی، دیوان‌ها، سپاه و وزارت استفاده کردند. در واقع عصر عباسی اول از نظر فرهنگی تکمیل‌کننده عصر اموی بود و قدرت اصلی در اختیار اعراب بود. هر چند که قبایل امتیازات خود را از دست دادند. وی همچنین به پیگیری ریشه‌های برخی از پدیده‌های این دوره از قبیل قیام‌های ایرانیان و برخی از حرکت‌ها به‌ویژه حرکت غالیان پرداخت و درنهایت دوره معتقد مرا به مثابة دوره انتقال از عصری به عصر دیگر بررسی کرد.

از دیگر ویژگی‌های این کتاب نسبت به شیوه معمول مورخان آن است که نویسنده در بحث تاریخ عباسی به برخی از مسائل توجه کرده که بعد از چند سال در همین دوره عباسی از

مقدمه مترجم ک

مهمنترین مسائل در تفسیر تاریخ اسلام به شمار می‌آمد. بنابراین، وی این نظر را که «دولت بنی عباس دولتی عجمی خراسانی بوده و دولت بنی مروان دولتی عربی» بوده است را رد می‌کند و معتقد است که اولی را باید امت اسلامی و دومی را باید امت عربی نامید. برای این که قدرت و سلطه اعراب با سقوط بنی امیه به پایان نرسید، زیرا خلفای عرب هاشمی بودند و به اصل و نسب خود تفاخر می‌کردند. هر چند که ایرانیان را مقرب خود ساختند، اما زمانی که احساس خطر کردند و دامنه نفوذ آن‌ها را گسترشده دیدند، به عقوبت آن‌ها پرداخته و آن‌ها را برکنار کردند. عباسیان اگرچه منصب‌های مهم را به ایرانیان دادند، اما کم نبودند اعرابی که عهدهدار ولایات و فرماندهی سپاه می‌شدند. از طرفی، زبان عربی نیز همچنان زبان سیاست، فرهنگ و ادب باقی ماند؛ با وجود این اعراب در این مقطع، در کمتر مواردی یارای رقابت با ایرانیان را داشتند و در حوزه مسائل اداری و لشکری و کشورداری در حقیقت یک دولت عجمی (ایرانی)، که به تعبیر امروزی دولت در سایه بود، اداره امور را در اختیار داشت.

بدیهی است که ارتباط اوضاع اقتصادی و اجتماعی با حوادث و جریان‌های تاریخی به پژوهش‌های جزئی و تخصصی‌تر نیازمند است. مثلاً در مسئله موالی و ارتباط آن‌ها با بنی امیه و بنی عباس به پژوهش‌های دقیق‌تری نیازمند است. زیرا موالی با وجود تعصبات امویان و برخلاف تصور معمول مسئولیت‌های مهمی را بر عهده داشتند. چنین دستاوردهایی باعث می‌شود که فقط به خود اتفاقات و جریان‌های تاریخی نگریسته نشود، بلکه از زاویه اقتصادی و اجتماعی نیز بررسی شود. رعایت چنین ملاحظاتی در تفسیر تاریخ باعث شده تا چنین آثاری از جایگاه خاصی برخوردار باشند.

۲. عبدالعزیز دوری

عبدالعزیز دوری در ۱۹۱۹ در بغداد متولد شد. پس از سپری کردن تحصیلات مقدماتی و متوسطه، در ۱۹۴۰، مدرک کارشناسی را از دانشگاه لندن گرفت. دوره دکتری را نیز در ۱۹۴۲ به پایان رساند و به عراق بازگشت. در سال‌های ۱۹۴۳ تا ۱۹۴۸ در دانشسرای عالی به تدریس تاریخ اسلام پرداخت و در همان‌جا به مرتبه استادی نائل آمد. ریاست گروه تاریخ نیز در دانشگاه بغداد بر عهده او گذاشته شد. دوری از ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۸ به عنوان رئیس دانشکده ادبیات و علوم انجام وظیفه کرد؛ اما به سبب گرایش به نوری سعید از سمت خود بر کنار شد. این کار فقط شش ماه طول کشید و دوباره به تدریس در دانشگاه پرداخت. از سال ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۸

ل پژوهشی در تاریخ سیاسی، اداری و مالی عصر عباسی اول

ریاست دانشگاه بغداد را بر عهده گرفت؛ اما به سبب اوضاع آشفته سیاسی مجبور به ترک عراق شد و در اردن رحل اقامت افکند. از سال ۱۹۶۹ به بعد نیز استاد تاریخ اسلام دانشگاه اردن بوده است. علاوه بر این، چندین سال به عنوان استاد مدعو دانشگاه امریکایی بیروت و دانشکده مطالعات شرق دانشگاه لندن بوده است. دوری عضو تعدادی از انجمن‌ها و گروه‌های عربی و بین‌المللی بود و در کنفرانس‌های متعددی مشارکت کرده و جوایز زیادی به دست آورده است:

- جایزه ملک فیصل برای مطالعات اسلامی (۱۹۸۴)؛
 - جایزه مجمع ترجمه علمی عراق (به سبب نگارش تاریخ العراق الاقتصادی - القرن الرابع الهجری) نشان عالی تربیت از کشور اردن؛
 - جایزه تقدیر مرکز پژوهش‌های تاریخ، هنر و فرهنگ اسلامی (استانبول ۱۹۸۸)؛
 - جایزه فرهنگ عربی (۲۰۰۰)؛
- عبدالعزیز دوری در تاریخ ۱۱/۱۱/۹۲ در ۹۲ سالگی در اردن درگذشت. آثار ذیل حاصل قسمتی از عمر پربار این مورخ پرتلاض است.

۱،۲ کتاب‌ها

۱. العصر العباسی الأول (بغداد، ۱۹۴۳)؛
۲. دراسات في الصور العباسية المتأخرة (بغداد، ۱۹۴۵)؛
۳. مقدمة في تاريخ صدر الإسلام (بغداد، ۱۹۵۰)؛
۴. تاريخ العراق الاقتصادي في القرن الرابع الهجرى (بغداد، ۱۹۴۸)؛
۵. النظم الإسلامية (بغداد، ۱۹۵۰)؛
۶. دراسات في علم التاریخ عند العرب (بيروت، ۱۹۶۰)؛
۷. الجنوبي التاريخية للقومية العربية (بيروت، ۱۹۶۰)؛
۸. تفسير التاریخ مع آخرين (بغداد، لاتا)؛
۹. التكوين التاريخي للأمة العربية: دراسة في الهوية والوعي (بيروت، ۱۹۸۴)؛
۱۰. الجنوبي التاريخية للشعوبية، ط ۱ (بيروت، ۱۹۶۲)، ط ۲ (بيروت، ۱۹۸۰)؛
۱۱. ناصر الدين الأسد بين التراث والمعاصرة (بيروت، ۲۰۰۲)؛
۱۲. نساء علم التاریخ عند العرب (طبعه جديدة، ۲۰۰۵).

٢,٢ مقالات

١. «الجذور التاريخية الاشتراكية العربية»؛
٢. «مراجعة الكتب: مالك الأرض والمزارع في صدر الإسلام»؛
٣. «الفتح والأرض في الأندلس»؛
٤. «الجغرافيون العرب وروسيا»؛
٥. «نشأة الاقطاع في المجتمعات الإسلامية»؛
٦. «الإسلام وانتشار اللغة العربية و التعریب»؛
٧. «ابن خلدون و العرب (مفهوم الأمة العربية)»؛
٨. «حول الحوار القومي - الدينى»؛
٩. «كتابه التاريخ العربي»؛
١٠. «العلاقات العربية - الإيرانية (١) الورقة العربية»؛
١١. «دور الوقف في التنمية»؛
١٢. «ساطع الحصري في الفكر القومي»؛
١٣. «تعريف المشروع الحضاري و تجاربه و تطوره»؛
١٤. «مستقبل الوقف و الوطن العربي»؛
١٥. «الجهيدة و الصيرفة في العراق في القرن الرابع الهجري»؛
١٦. «النظام النقدي في العراق: في القرن الرابع الهجري»؛
١٧. «نظرة في التنظيمات المالية لعمرو بن الخطاب»؛
١٨. «الأصناف و الحرف الإسلامية»؛
١٩. «ديوان در صدر اسلام».

آثار دیگری نیز از وی به جا مانده است که از جمله آن‌ها مدخل‌های «بغداد»، «الانباء»، «امیر»، «دیوان» و «عامل» در دائره المعارف الإسلامية است و «التاريخ الموسوعي العالمي» و طرح «تاريخ الأمة العربية»، که به پیشنهاد یونسکو اجرا می‌شد، اما به پایان نرسید.

٣. سبک تاریخ‌نگاری دوری

در بررسی تاریخ صدر اسلام، اصلی‌ترین و معتبرترین منبع قرآن کریم است. پس از قرآن

ن پژوهشی در تاریخ سیاسی، اداری و مالی عصر عباسی اول

دومین منبع روایات است. با تکیه بر همین منابع دو مکتب تاریخ‌نگاری عمدۀ در قرن آغازین اسلامی شکل گرفت. نخستین مکتب تاریخ‌نگاری در مدینه به وجود آمد؛ زیرا در این شهر اولین جامعۀ اسلامی و نیز دولت اسلامی تشکیل شد. در این شهر صحابه به حفظ قرآن و نقل روایات و احادیث پرداختند. از همین جاست که نخستین راویان مکتب مدینه را صحابه تشکیل دادند. انگیزۀ دینی در این زمینه نقش مهمی بازی می‌کرد. آن‌ها به قول، فعل و تقریر پیامبر (سنت) توجه کردند و همین امر سبب شد که سنت پیامبر بعدها مایه و اساس تدوین سیرۀ پیامبر شود. از کتاب‌های سیره که بیشتر به زندگانی پیامبر توجه داشتند، می‌توان به سیرۀ ابن اسحاق و واقدی و حتی تاریخ یعقوبی و ... اشاره کرد. به سبب گسترش فتوحات اسلامی تاریخ‌نگاری هم گسترش یافت؛ بنابراین، دومین مکتب تاریخ‌نگاری نیز در عراق (کوفه و بصره) شکل گرفت.^۱ اما انگیزۀ تاریخ‌نگاری در این مکتب صرفاً دینی نبود، بلکه تفاخرات قبیله‌ای (تفاخرات قبیله‌ای در پناه اسلام احیا شد و رنگ اسلامی یافت)، فرق و مذاهب، فتوحات و مباحث سیاسی بود. اینان در کنار سنت پیامبر، اخبار قبیله‌ای و اخبار ایرانی را نیز مورد توجه قرار می‌دادند.^۲ نمونه بارز آن تاریخ طبری، تاریخ یعقوبی، اخبار الطوال دینوری و ... است. در این مکتب با وسعت دیدگاه تاریخ‌نگاری موافق هستیم. اینان علاوه بر روش روایی مکتب مدینه از روش ترکیبی و تحلیلی استفاده می‌کردند.

در کتاب‌هایی نظریه تجارب‌الاهم ابن مسکویه، مقدمه‌این خلدون، مروج الذهب مسعودی و ... تا حدی از عنصر تحلیل استفاده کرده‌اند. در این مکتب تاریخ‌نگاری عنصر عقل‌گرایی نمود بیشتری دارد.

مورخان مسلمان با دو بینش دینی، که بیشتر یک روش نقلی و روایی و وقایع‌نگاری بود که البته گاه روش توصیفی هم نامیده می‌شد و بینش انسانی، که کمتر در تاریخ‌نگاران مسلمان دیده شده است، به ضبط تاریخ اقدام کردند.

در اروپا نیز از قرن هیجدهم روش تاریخ‌نگاری جدیدی از سوی ولتر تحت عنوان مکتب پوزیتیویسم (اثبات‌گرایی) آغاز شد و اوی برای اولین بار از واژه‌ای به نام «فلسفه تاریخ» استفاده کرد. او ابراز داشت که هدفش از نگارش تاریخ توجه به تعدد زنان حرسرا یا اسباب شاهان نیست. به واقع او ابراز کرد که هدفش در تاریخ فقط رویدادهای دربار نیست، بلکه هدفش

۱. سجادی و عالمزاده، ۱۳۷۵: ۵۵.

۲. آژند، ۱۳۶۵: ۸۹ - ۹۹.

مقدمهٔ مترجم س

توجه به زندگانی مردمان از لحاظ اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ... بود. این امر کم تاریخ را هدفمند می‌کرد. دانشمندان علوم تجربی از جمله ایراداتی که به تاریخ وارد می‌کردند این بود که تاریخ فاقد تنوع موضوع است. ولتر با مطرح کردن موضوعات مختلف در تاریخ زندگانی مردمان این امر را مرتفع ساخت. تاریخ دیگر به معنای سیاسی نبود، بلکه جنبه‌های مختلف جامعه نظری اجتماع، اقتصاد، فرهنگ و دین را دربرمی‌گرفت.

در سال ۱۹۲۹، در فرانسه مکتب جدیدی به نام «آمال» شکل گرفت. به اعتقاد این مکتب مورخ انبوهی از اطلاعات دارد؛ ولی نمی‌داند چگونه آنان را بر اساس واقعیات تاریخی در کنار هم بچیند. آنان می‌گفتند: این اطلاعات اولیه است و مورخ برای این که بتواند وقایع گذشته را بازسازی کند، باید از روش‌ها و دانش‌های دیگر برای بازسازی گذشته استفاده کند. بنابراین، باید به جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، روان‌شناسی تاریخی و جغرافیای طبیعی و انسانی توجه کند. مورخی موفق است که اطلاعاتش را با استفاده از سایر علوم چیدمان کرده و تاریخ را بازسازی کند. با توجه به این مکتب تاریخ به صورت تحلیلی عرضه می‌شود.

بر اساس آن‌چه دربارهٔ منابع تاریخی قدیم عرب گفته شد هر کدام از مورخان قدیم عرب از تاریخ عرب و حتی از کل تاریخ بشر قراتی خاص داشته‌اند؛ برخی تاریخ را اراده و مشیت الهی دانسته و برخی قراتی اخلاقی از آن داشته‌اند. برخی نیز تفسیری اجتماعی از تاریخ ارائه کرده‌اند که نمونهٔ بارز آن این خلدون است. عده‌ای در قالب مطالعات اسلامی به تاریخ توجه کرده و عده‌ای نیز در قالب مطالعات ادبی به تاریخ نگریسته‌اند؛ کسانی هم بودند که بدون هیچ هدف و روش خاصی به تدوین تاریخ اقدام کرده‌اند. اما عبدالعزیز دوری، که به نظر می‌رسد مکتب تاریخ‌نگاری عراق را با مکتب اثبات‌گرایی غرب درآمیخته و به عنوان مکتب تاریخی برای خود انتخاب کرده است، معتقد است که اگر ما تاریخ را با تکیه بر نظام‌های حاکم بر جامعه تقسیم کنیم، بر اساس آن دوره‌های تاریخی را شکل دهیم، از این قالب خارج نشویم و در هر دوره‌ای ویژگی‌های تاریخی خاص آن دوره و اتفاقات آن را به بحث بگذاریم بدون آن که توجهی به دوره‌های قبلی و بعدی داشته باشیم و بدون آن که جزئیات امور را نیز مورد توجه قرار دهیم، راه به جایی نخواهیم برد. زیرا تمامی اجزای تاریخ با هم در ارتباط‌اند. تحولات اجتماعی و اقتصادی، جنگ‌ها و درگیری‌ها و حتی جغرافی نیز در شکل‌گیری تاریخ یک دوره نقش مهمی دارد. جغرافی نقش مهمی در تاریخ دارد و درواقع همان مکان تاریخ و عنصر ثابت تاریخ است؛ اما ما در پژوهش‌های خود کاملاً جغرافی را فراموش می‌کنیم. حتی

ع پژوهشی در تاریخ سیاسی، اداری و مالی عصر عباسی اول

کتاب‌های تاریخی نیز در بیش‌تر مواقع عاری از نقشه‌های جغرافیایی است. از نظر دوری جنبه اقتصادی در مطالعات تاریخی نیز مورد توجه مورخان نگرفته است؛ بنابراین، او در بیش‌تر مواقع قرائتی اقتصادی از تاریخ دارد و تاریخ اقتصادی سهم زیادی در آثار وی دارد. دوری در حقیقت پیش رو این نوع از قرائت در تاریخ‌نگاری اسلامی است و به عنوان یک نظریه‌پرداز در این زمینه مطرح است؛^۱ اما خود او در هیچ جایی اسم آن را نظریه نگذاشته است.

دوری در شیوه تاریخ‌نگاری خود مراجعه به منابع اصلی، بررسی عقلی و منطقی حوادث و استخراج حقایق تاریخی از لابه‌لای منابع با دخیل دانستن سایر عوامل را یک اصل قرار داده است. بنابراین، ویژگی بارز آثار او دقت‌نظر و تعمق است. او به وجود رابطه بین تاریخ و سوراخ نیز اعتقاد دارد؛ بدین معنی که سوراخ بدون حقایق تاریخی بی‌ریشه بوده و حقایق تاریخی بدون سوراخ جدای حیات و معنی است.

جایگاه ویژه دوری در تاریخ‌نگاری باعث شده که به او لقب «شیخ‌المورخین» داده شود. شیخ‌المورخین معتقد است که در تحول تاریخی ملت عرب عوامل گوناگونی نقش داشته‌اند که عبارت‌اند از اسلام، فتوحات اسلامی و گسترش اسلام، شکل‌گیری فرهنگ جدید عربی، تحولات اجتماعی و اقتصادی، مسئله قدرت و درگیری سیاسی و فکری و در نهایت ظهور پدیده‌ای به نام «امت عربی».

در پایان امیدوارم ترجمه این اثر برای علاقمندان حوزه تاریخ مفید و مؤثر باشد و به درک حقیقت تاریخ کمک کند. ضمن این که چند نکته‌ای را نیز درباره ترجمه یادآور می‌شوم؛ در ترجمه این اثر سعی بر این بوده که رعایت امانت شود و متکی به متن اصلی باشد. توضیحات مختصر در داخل متن در داخل کروشه ذکر شده و اگر جایی نیاز به توضیح کامل داشت در پایان هر فصل تحت عنوان یادداشت‌های فصل آمده است.

الکمال لله وحده

پاییز ۱۳۹۱

رمضان رضائی

مقدمه مؤلف

در حالی که بحث تاریخی در غرب قدم‌های بلندی برداشته است و توجه مورخان در غرب علاوه بر جنبه سیاسی به جوانب مختلف تاریخ از قبیل مالی، اجتماعی و فرهنگی نیز معطوف شده است، مورخان اسلامی اطلاعات غالباً آشفته و اندکی را در اختیار دارند که به ما را سرمنزل مقصود نمی‌رسانند. زیرا آن‌چه درباره تاریخ سیاسی اسلام نوشته شده رضایت‌بخش نیست و تاریخ اقتصادی اسلام هم تاکنون متروک مانده است و تاریخ تمدن، که آن هم تازه در اول راه است.

امید است این سخنرانی‌ها، که برای دانشجویان سال سوم دانشسرای عالی ایراد می‌شود، گوشه‌ای از جای خالی را در زمینه تاریخ مالی و سیاسی عصر عباسی اول پرکند.

اما هدف این سخنرانی عادت دادن دانشجویان به شیوه‌های بحث علمی در مواجهه با معضلات تاریخ است. انکار نمی‌کنیم که این نوع سخنرانی‌ها حق مطلب را ادا نخواهد کرد. این‌ها فقط ثمرة مباحثی است که در اثنای سال تحصیلی آماده کرده بودم و اگر فرصتی دست دهد دوباره آن را دقیق‌تر و کامل‌تر بازنویسی خواهم کرد. و الله الموفق للرشاد.

عبدالعزیز دوری

بغداد / ۱۴ شباط ۱۹۴۴